

خون

کارمن لاقورت

با پیشگفتاری از
ماريو بارگاس يوسا

ترجمه
فرزاد فروتنی



NADA
Carmen Laforet

سرشناسه: لافورت، کارمن، ۱۹۲۱ - ۲۰۰۴ م

Laforet, Carmen

عنوان و نام پدیدآور: هیچ (ترجمه‌شده از متن اسپانیایی)

کارمن لافورت: ترجمه‌ی فرزاد فروتنی؛ ویرایش آرش معدنی‌پور.

مشخصات نشر: تهران: کتاب فانوس، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۵۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۷۷-۲۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Nada

موضوع: داستان‌های اسپانیایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: 20th century -- Spanish fiction

شناسه‌ی افزوده: فروتنی، فرزاد، ۱۳۶۸ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ۶۶۷۱

رده‌بندی دیویی: ۸۶۳/۶۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۷۵۶۰۶۹۱

وضعیت رکورد: فیبا



کتاب فانوس. داستان جهان. هفت

هیچ

کارمین لافورت
ترجمه‌ی فرزاد فروتنی

ویرایش: آرش معدنی‌پور

طبع جلد: سوم مُنصف

چاپ یکم: پاییز هزار و چهارصد

شمارگان: بیست و پنج

هشتاد هزار تومان

چاپ و صحافی: پردیس دانش

حق چاپ و انتشار و هرگونه برداشت از این اثر محفوظ است
برای کتاب فانوس

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده،

طبقه‌ی منفی دو، واحد صد و شش

تلفن: ۶۶۴۱۲۰۱۵

تلگرام: اینستاگرام

ketabfanoospub

پیشگفتار مترجم

نویسنده‌ی این رمان، کارمین لافوریت^۱، در سال ۱۹۲۱ در شهر بارسلونای اسپانیا به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۴ از این دنیا رخت بربست. مطرح‌ترین اثر این نویسنده اولین کتاب او، یعنی رمان «هیچ» است که در سال ۱۹۴۴ برنده‌ی جایزه‌ی نادال^۲ شد. چندی بعد، در سال ۱۹۴۸، توانست جایزه‌ی فاستنرات^۳ رنال آکادمی اسپانیا را از آن خود کند و اکنون که این سطور را می‌نویسم این اثر یکی از صد کتاب برتر اسپانیایی زبان قرن بیستم به‌شمار می‌آید. اما چیزی که رمان هیچ را برجسته می‌کند نه جایزه‌ها و نه قرار گرفتن در لیست بهترین کتاب‌هاست؛ بلکه چیره‌دستی نویسنده و روایت غم‌انگیز و واقع‌گرایانه‌ی او از زمانی است که اسپانیا یکی از خونین‌ترین جنگ‌ها را پشت سر گذاشته و حالا دارد در خفقان و لجن‌زار حکومتی که اساس آن بر پایه‌ی دیکتاتوری بنا شده، زیر سایه‌ی سنگین ژنرال فرانسیسکو فرانکو^۴، دست‌وپا می‌زند. اگر داستان هیچ را یک اتوبیوگرافی از دختر بیست‌وچند ساله‌ای بدانیم که وقتی دست‌به‌قلم شد بی‌رحمانه از فقر و بدبختی و رویای آزادی نوشت، پری‌راه نگفته‌ایم. بدون تردید اسپانیا تاریخ پریپچ‌وخمی داشته است، مجال سخن گفتن از همه‌ی وقایعی که این کشور از سر گذرانده نیست؛ اما درباره‌ی جرقه‌ی آتش جنگی که به جان اسپانیا افتاد و ختم به دیکتاتوری فرانکو شد، به ایجاز چند خطی می‌نویسم:

Carmen Laforet .۱

Nadal .۲

Fastenrath .۳

Francisco Franco .۴

در سال ۱۹۲۳، زمانی که اسپانیا پادشاهی مشروطه بود و آلفونسو سیزدهم^۱ اداره‌اش می‌کرد، ژنرال میگل پریمو دِ ریبرا^۲ با پشتیبانی شاه کودتایی را رهبری کرد و با اذعان به دیکتاتوری نظامی، تشکیلات دولت را به دست گرفت. قدرتی که قانون اساسی ۱۸۷۶ را، که تلاشی ناموفق برای تشکیل جمهوری فدرال بود، به حالت تعلیق درآورد و احزاب سیاسی قدیمی را از صحنه حذف کرد و راه سرکوب را پیش گرفت. با این حال پس از هشت سال این ژنرال با فشار نیروهای محافظه‌کار و نارضایتی نیروهای مسلح مجبور به استعفا شد. در این بین جمهوری‌خواهان با شعار «یا سلطنت یا جمهوری» خواستار برقراری دولت جمهوری شدند.

پس از استعفای او در سال ۱۹۳۰، آلفونسو سیزدهم سعی کرد رژیم سلطنتی از پافشاری‌اش دست بردارد و در مسیر قانون اساسی و پارلمانی قرار دهد. همین برانگیخته شد تا دولت شاهنشاهی ترتیب انتخاباتی را بدهد تا بدین طریق مشروعیت دموکراتیک را به نهادهای سلطنتی تزریق کند و به رژیم بیمار خود دوباره جان دهد. پس از برگزاری انتخابات بیش‌تر کرسی‌ها در اختیار نیروهای ضد سلطنت قرار گرفت و همین امر باعث شد تا شاه راه تبعید را دنبال کند. در سال ۱۹۳۱ مردم آغاز جمهوری دوم اسپانیا را جشن گرفتند و نیتو آکالا^۳ نامورا^۴ در جایگاه رییس دولت قرار گرفت. در همان سال قانون اساسی جدید تصویب شد. این دوره دوام چندانی نداشت و با عوض شدن سیزده دولت در پنج سال توانست جای پای خود را آن‌طور که باید محکم کند.

در انتخابات سال ۱۹۳۶، جمهوری‌خواهان قدرت را به دست آوردند و مجلس مانوئل آثانیا دیاث^۴ را به عنوان رییس‌جمهور جای‌گزین نیتو آکالا نامورا کرد. حاکم جدید برابر کلیسا، ارتش، اشرافیت و زمین‌داران رفتار سرکوب‌گرانه‌ای

Alfonso XIII .۱

Miguel Primo de Rivera .۲

Niceto Alcalá Zamora .۳

Manuel Azaña Díaz .۴

داشت؛ به صورتی که بدون اعمال خشونت نمی‌توانست اوضاع را کنترل کند. در این حیص و بیص بستر اعتصابات، اغتشاش‌ها، درگیری‌ها و نبردها بین گروه‌های جمهوری‌خواه و ملیون به وجود آمد. تقابل‌های این دو تمامی نداشت تا جایی که یک ستوان جمهوری‌خواه مورد اصابت گلوله‌ی ملیون قرار گرفت. در پاسخ به این اقدام، جمهوری‌خواهان خوسه کالو و سوتلو رهبر اپوزیسیون ملیون را ترور کردند و جنگ داخلی با قیام مسلحانه به سرپرستی ژنرال فرانسیسکو فرانکو، که یکی از مقامات ارشد نظامی بود، آغازید. جنگ خونین بین این دو جبهه از یک طرف با حمایت روسیه، فرانسه و انگلیس از جمهوری‌خواهان، و از طرفی دیگر با حمایت ایتالیای موسولینی و آلمان هیتلر از ملیون تا جایی پیش رفت که در اول اکتبر همان سال مانوئل آثانیا دیاث از سمت رییس‌جمهوری استعفا داد. سرآخر پس از گذشت سه سال، در اول آوریل سال ۱۹۳۹، فرانکو رسماً پایان جنگ را اعلام کرد و خود را رییس دولت اسپانیا و فرماندهی سه قوا (زمینی، دریایی، هوایی) معرفی کرد. بدین ترتیب دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا آغاز شد و تا سال ۱۹۷۵ ادامه داشت.

حکومت توتالیتار او باعث شد تا تلاش برای استقرار سیستم سوسیالیستی در اسپانیا بی‌نتیجه بماند و جمهوری دوم در خون غرق شود؛ رهی به ترکستان نه کعبه‌ی مقصود. او بسیاری از آزادی‌ها را سرکوب کرد و سیاستمداران و روشنفکران مخالف را به حاشیه برد. رژیم او چیزی حدود دویست هزار مخالف اسپانیایی را زندانی کرد، بسیاری از میهن‌پرستان را تبعید و قریب به ده هزار مرد را به اعدام محکوم کرد؛ همه‌ی این‌ها اقداماتی بود که او برای چهارمیخه‌کردن نظام فاشیستی خود به کار برد.

این متن از نسخه‌ی اسپانیایی کتاب Nada به فارسی برگردانده شده است. شوربختانه در این هفتاد و اندی سالی که از انتشار این کتاب می‌گذرد هیچ مترجمی به «هیچ» اقبال نکرده بود و خوشبختانه من اولین نفری بودم که

برای برگردان آن بسیار غلغلک شدم. توصیفات غریب و گاه غامض لافورت مته‌به‌خشخاش گذاشتن‌های زیادی را طلبید و برگردان آن سه سال تمام به درازا انجامید؛ تمام کلنجار من برای این بود تا تفکر نویسنده را منتقل کنم. برخی از شخصیت‌ها در جاهایی از کتاب تک‌واژه‌ها یا جمله‌هایی را به زبان کاتالان^۱ ادا می‌کنند که برای آشکار شدن این امر آن قسمت‌ها به صورت ایرانیک آمده‌اند.

از آرش معدنی‌پور، رفیق روزهای سخت روزگارم، سپاسگزارم که با ویراستاری زبردستانه‌ی خود جان تازه‌ای به ترجمه‌ی من داد، و همچنین ملیحه بهارلوی مهربان که مقدمه‌ی ماریو بارگاس یوسا^۲ را برایم از نسخه‌ی انگلیسی به فارسی برگرداند.

بهار هزار و چهارصد

www.ketab.ir